

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹

کلاس پرونده: ۷۸۵/۹۳

شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۰۹۳۹۲۸+

شماره بایگانی:

پیوست:



بسمه تعالی

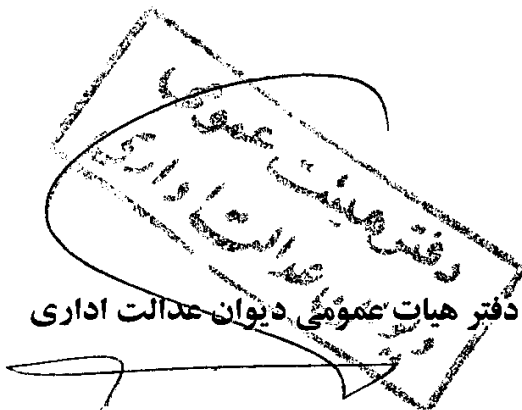
مدیریت محترم کل دبیرخانه شورای نگهبان

با اهداء سلام:

بازگشت به نامه شماره ۹۵/۱۰۲/۲۵۰۴ مورخ ۱۸/۰۷/۱۳۹۵ به پیوست تصویر دادنامه

شماره ۶۱۸-۶۱۹ مورخ ۲۸/۰۶/۱۳۹۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری جهت اطلاع و اقدام

مقتضی ارسال می شود. /



دبیرخانه شورای نگهبان	
شماره ثبت:	۹۶/۲۲/۲۹۶۹
تاریخ ثبت:	۹۶-۷-۲۰
ساعت ورود:	کد پرونده.

تاریخ: ۱۳۸۸

شماره: ۵

پیوست:



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره دادنامه: ۶۱۹-۶۱۸

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۶/۶/۲۸

کلاس پرونده: ۷۸۶/۹۳، ۷۸۵/۹۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سیداصغر حسینی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- دستورالعمل شماره ۱۳۸۴/۱۱/۲۶-۱/۸۴/۱۵۹۸۵ رئیس قوه قضائیه

موضوع طرح جامع رفع اطاله دادرسی ۲- بخشنامه معاون اداری مالی قوه قضائیه به شماره

۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰ (۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵)

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال ۱- دستورالعمل شماره ۱۳۸۴/۱۱/۲۶-۱/۸۴/۱۵۹۸۵

رئیس قوه قضائیه موضوع طرح جامع رفع اطاله دادرسی ۲- بخشنامه معاون اداری مالی قوه قضائیه به شماره

۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰ (۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵) را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و تحیت، احتراماً ضمن تقدیم مدارک و مستندات تصدیغ می دارد:

الف) صلاحیت دیوان و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، نظر به تفکیک وظایف قوه قضائیه از باب قضایی و اداری

و شمول تصویب آیین نامه یا دستورالعملهای صادره از ناحیه ریاست محترم قوه قضائیه یا معاونتهای زیر مجموعه به

عنوان اقدامات اداری و نظر به رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ابطال تصمیمات و اقدامات در موارد مشابه

از جمله آراء وحدت رویه شماره ۱۵۰۰-۱۳۸۶/۱۲/۱۴، ۲۸۵-۱۳۸۲/۸/۴ و ۴۸۳-۱۳۸۷/۷/۲۸ و همچنین



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

داونامه

نظریه شماره ۷/۵۰۱-۱۳۸۴/۱/۳۰-۱ اداره کل حقوقی قوه قضائیه مستند به نظریه شماره ۸۳/۳۰/۹۳۸۷-۱۳۸۳/۱۰/۲۱ شورای محترم نگهبان و مستنداً به بند (الف) ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری و مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده مذکور و عنایتاً به بند ۱ ماده ۱۹ مفهوم مخالف تبصره ماده مرقوم و ماده ۴۰ قانون مرقوم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صلاحیت ابطال مصوبات اداری ریاست محترم قوه قضائیه و معاونت‌ها یا ادارات تابعه را دارد.

(ب) تقاضای ابطال مصوبه (بخشنامه، دستورالعمل):

معاونت محترم اداری و مالی قوه قضائیه طی نامه شماره ۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵-۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰ بدون تاریخ خطاب به روسای کل محترم دادگستری استانها از آنان چنین خواسته است با توجه به مفاد جدول شماره ۱۶ لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ با عنوان تعرفه های درآمدهای موضوع جدول شماره ۵ لایحه مذکور و درج تعرفه به مبلغ ۴۰/۰۰۰ ریال در خصوص طرح هر فقره پرونده غیر کیفری در محاکم قضایی (علاوه بر هزینه دادرسی مصوب) و عدم تغییر آن در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ در مجلس شورای اسلامی، مقتضی است ترتیبی اتخاذ فرمایند واحدهای قضایی تابعه آن استان نسبت به اخذ وجوه تعرفه فوق و واریز آن به حساب ذیربط اقدام مقتضی معمول فرمایند و بر همین اساس دادگستری شهرستان کرج از ابتدای سال ۱۳۹۱ علاوه بر هزینه دادرسی مبلغ ۴۰/۰۰۰ ریال مذکور را از ارباب رجوع و کلاء از طریق واریز به حساب شماره ۲۱۷۱۲۹۶۰۳۳۰۰۰ بانک ملی دریافت می نماید که بنا بر دلایل ذیل اقدام مذکور بر خلاف قانون و شرع بوده و تقاضای ابطال آن را دارد.

۱-ب- نظر به تعریف بودجه و بند (د) ماده ۱ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب ۱۳۵۱ و مواد ۶ و ۱ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ و سالیانه بودن حکم قانونگذار در قوانین بودجه هر گونه دریافت و پرداختهای دولت مستلزم وجود حکم قانونی است و اساساً عدم ابقاء تبصره های بودجه سابق در بودجه لاحق و دائمی نبودن



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

تبصره های بودجه نیز مفهوم این معنی است، کما اینکه بنا بر صراحت ماده ۳۷ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ وصول درآمدها از اشخاص بر اساس قوانین بودجه زمانی امکان پذیر می باشد که مجوز قانونی لازم صادر شده باشد. نظر به اینکه در بودجه سال ۱۳۹۱ حکمی در خصوص ابقاء بند ۶۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ جعل نگردیده هر چند که در بودجه سال ۱۳۹۰ قید « هر فقره پرونده غیر کیفری مالی» نیز وجود داشته بنابراین دریافت هرگونه وجه از اشخاص علاوه بر مخالفت با قانون هر چند به موجب بخشنامه (در مقام قانونگذاری برآمده زیرا ایجاد حق و یا انتفاء و تحدید آن در صلاحیت انحصاری قانونگذار است) مجوزی نداشته و با عنایت به اصل حرمت مال مسلمان و دارا شدن غیر عادلانه بر خلاف شرع نیز می باشد. (بند ۱۰۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۱ نیز صراحتاً هرگونه دریافت و پرداخت بر خلاف قانون برنامه پنجم، بودجه و ... را در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولتی تلقی و واجد مجازات قانونی می داند).

۲-ب- بدو جهت جلوگیری از وصول مبلغ مذکور از اشخاص و نظر به اینکه استرداد وجوه دریافتی با التفات به رویه اداری محاکم و مواد ۴۹ و ۹۲ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ مستلزم سپری شدن تشریفات و زمان می باشد و جهت جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص و خدای ناکرده بدبینی نسبت به سیستم قضایی و عدالت مستنداً به ماده ۱۵ قانون دیوان عدالت اداری صدور دستور عاجل و شایسته مبنی بر توقف اجرای بخشنامه و اقدامات مذکور تمنی می گردد.

۳-ب- نظر به غیر قانونی و غیر شرعی بودن وصول مبلغ مذکور از ابتدای سال ۱۳۹۱ و جهت جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص مستنداً به ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری ابطال بخشنامه و اقدامات از ابتدای تصویب و حتی اقدامات بدون مجوز از ابتدای سال ۱۳۹۱ مورد استدعاست.

ج) تقاضای ابطال اقدامات و تشریفات پذیرش و ثبت دادخواست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

۱-ج- علی رغم تکلیف مقرر در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ و عدم ارائه اطلاعات راجع به مصوبه یا بخشنامه های مربوط، نظر به اینکه قانون آیین دادرسی مدنی جزء قوانین آمره می باشد و جهت انسجام بخشیدن به پذیرش و رسیدگی به دعاوی تصویب و لازم الاجراء گردیده و در ماده ۱ آن قانون صراحتاً محاکم و مراجع را موظف به رعایت آن نموده است و تشریفات پذیرش دادخواست جریان دعوی و اتخاذ تصمیم در هر مرحله و هر مرجع به تفکیک و تفصیل بیان گردیده و استتکاف از مقررات مذکور یا ایجاد مانع و تاخیر در احقاق حق و پذیرش آن به هر دلیل حتی به علت قوانین غیر صریح، متعارض، نبود قانون منع شده و تخلف محسوب می گردد. بنابراین هرگونه تصویب آیین نامه، تصویب نامه، دستورالعمل، شیوه نامه، بخشنامه و غیره که در مقام قانونگذاری برآمده باشد محکوم به بطلان است و بنا بر دلایل آتی ایجاد بروکراسی در پذیرش و ثبت و ارجاع دادخواست خلاف قانون می باشد.

۲-ج- نظر به مواد ۵۳ و ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی دادخواست اعم از ناقص یا کامل به دفتر دادگاه در صورت واحد بودن شعبه یا دفتر شعبه اول دادگاه در صورت تعدد شعبات [شعب] تسلیم گردیده و پذیرفته می شود و نظر به ماده ۵۴ همان قانون پس از پذیرش دادخواست نقایص احتمالی به خواهان اطلاع داده خواهد شد.

۳-ج- استناد به سیاستهای کلی نظام و برنامه پنج ساله دوم قضایی در تصویب دستورالعمل ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین و ارتقاء رفتار سازمانی در قوه قضاییه و طرح جامع رفع اطاله دادرسی دستورالعمل شماره ۲ ساماندهی نظام ارجاع و دفاتر شعبه دادگاه و دادسراها و واحد ابلاغ و استفاده از فرمهای استاندارد کلاً و بنا بر دلایل ذیل اختصاصاً برخلاف قانون بوده و نه تنها در رفع اطاله دادرسی نتیجه بخش نبوده بلکه اعمال سلیقه ریاست دادگستری استانها و شهرستان رویه متفاوتی از نحوه پذیرش، ثبت و ارجاع دادخواست ایجاد کرده است.

۱-۳-ج- نظر به اینکه رویه قضایی در راستای ایجاد وحدت رویه و تفسیر قضایی قانون و غیر مستقیم در تصویب

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

قوانین کامل تر موثر می باشد، هر گونه تفسیر موسع از قوانین و به اصطلاح توسعه یا تضییق قانون بر حسب مورد و بر حسب قوانین شکلی و ماهوی، کیفری و حقوقی واجد شرایطی است و نظر به اینکه آیین نامه یا دستورالعمل در مقام قانونگذاری برآمده است، از جمله در بند (۱) شق (الف) آن قسمت که اشعار دارد (سطر ۱۱ و ۱۲) «... و در صورت مواجهه با یکی از موارد فوق از ارجاع به شعب دادگاهها امتناع و ...» بر خلاف قانون از جمله تکلیف مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی در لزوم پذیرش و ارجاع به شعب محاکم تلقی می گردد. (ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی و اصول ۱۷۰ و ۱۶۷ قانون اساسی)

۲-۳-ج- نظر به اینکه بند (ج) دستورالعمل شماره ۲ در قسمتهایی متضمن قانونگذاری و ایجاد تکلیف است تقاضای ابطال آن را دارد از جمله در سطر ۱۳ و ۱۴ و سطر پایانی بند مذکور تکلیف در ارجاع به واحد اجراء ثبت و تشکیل شعبه یا شعب خاصی برخلاف قانون از جمله مواد ۲۷ و ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی به نظر می رسد. مضافاً اینکه دادگستری شهرستان کرج در خصوص دادخواستهای مهریه و چک تا اوایل سال ۱۳۹۱ بر اشخاص تکلیف می نمود بدواً به اجرای ثبت مراجعه و در صورت عدم دسترسی به مال یا اموالی و اخذ گواهی مربوط از اجرای ثبت اقدام به تقدیم دادخواست نمایند و این نمونه بارز از اعمال سلیق فردی در تشریفات دادرسی با توسل به آیین نامه یا دستورالعمل می باشد.

۳-۳-ج- بند (د) دستورالعمل مرقوم به دلایل ذیل قابلیت ابطال دارد:

ایجاد تکلیف به رجوع به داوری قبل از طرح دعوی در دادگاهها در حالی که اساساً محاکم قضایی مکلف به رسیدگی به تظلم خواهی افراد و فصل خصومت می باشند و اصل صلاحیت عام محاکم مانع از پذیرش دعاوی مذکور نمی باشد (اصل ۱۵۹ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی) در حالی که در بند (د) دستورالعمل مذکور علیرغم استناد به ماده (۱۰) نتیجه ای خلاف انشاء شده است.

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره: ۵

پیوست:



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

۴-۳-ج- در دادگستری شهرستان کرج در حال حاضر اقدامات ذیل در پذیرش و ثبت دادخواست اشخاص و وکلاء و ارجاع انجام می پذیرد که ضمن تشریح موارد مذکور مستنداً به مقررات قانونی مربوطه ابطال ان درخواست می گردد.

۴-۳-ج-۱ الزام افراد به ارائه شماره ملی و کدپستی ده رقمی و کپی کارت ملی خواهان، کپی کارت ملی وکیل، شماره کد پستی ده رقمی خوانده یا خواندگان و شماره موبایل خواهان و وکیل و در همین راستا جهت در اختیار قرار دادن کد پستی ده رقمی اخذ مبلغ ۱۰/۰۰۰ ریال هزینه پستی توسط نماینده پست مستقر در واحد پذیرش دادخواست در حیاط ساختمان شماره ۲ دادگستری کرج

۴-۳-ج-۲ تکلیف اشخاص و وکلاء به تایپ دادخواست

۴-۳-ج-۳ مراجعه به واحد مشاوره جهت بررسی و تایید تکمیل بودن دادخواست و ضمائم

۴-۳-ج-۴ بررسی مجدد دادخواست و ضمائم توسط اشخاص مستقر در واحد پذیرش دادخواست از لحاظ صلاحیت، ارتباط خواسته، تقویم آنها و غیره و ارائه پرینت مربوط به هزینه دادرسی و تمبر مالیاتی وکیل و مبلغ ۴۰/۰۰۰ ریال در خصوص دعاوی مالی و غیر مالی.

۴-۳-ج-۵ بررسی مجدد دادخواست و در صورت تکمیل بودن ذکر عباراتی از قبیل تکمیل است و غیره در پرونده.

۴-۳-ج-۶ مراجعه به اتاق ثبت دادخواست و ثبت در دفتر خود ساخته و ارائه شمار به اشخاص ذی نفع.

۴-۳-ج-۷ ارسال پرونده ها به معاونت ارجاع جهت ارجاع به شعب اعم از پرونده های فوری و دارای دستور موقت یا تامین خواسته با طی مراحل طولانی تقریباً ۱۰ الی ۱۵ روزه

(د) مخالفت اقدامات و بخشنامه و دستورالعمل مذکور با مبانی شرع و فقهی:



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

مخالفت با قواعد «لا ضرر و لا ضرار فی السلام» و اصل ۴۰ قانون اساسی، قاعده دارا شدن غیر عادلانه یا ملائت بلاجهت، قاعده حرمت مال مسلمان، قاعده آمره، قاعده عدل و انصاف و آیات و روایات و فتاوی معتبر فراوانی که در همه زمینه ها وجود داشته و ساری و جاری است. لذا بنا بر مراتب معروض و نظر به اینکه تشریفات مذکور برخلاف مقررات آمره قانون آیین دادرسی مدنی شرع و ایجاد مانع و تاخیر در پذیرش حق است از جمله مخالفت با مواد ۴۸، ۵۰، ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی، ابطال اقدامات و دستورالعمل مذکور تمنی می گردد. "

متن بخشنامه (۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵) - ۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰ به قرار زیر است:

" با توجه به مفاد جدول شماره ۱۶ لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ با عنوان تعرفه های درآمدهای موضوع جدول شماره ۵ لایحه مذکور و درج تعرفه به مبلغ ۴۰/۰۰۰ ریال در خصوص طرح هر فقره پرونده غیر کیفری در محاکم قضایی (علاوه بر هزینه دادرسی مصوب) و عدم تغییر آن در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ در مجلس شورای اسلامی، مقتضی است ترتیبی اتخاذ فرمایید واحدهای قضایی تابعه آن استان نسبت به اخذ وجوه تعرفه فوق و واریز آن به حساب ذریبط اقدام مقتضی معمول نمایند. "

در پاسخ به شکایت مذکور، مستشار اداره کل حقوقی قوه قضائیه به موجب لایحه شماره ۷/۹۳/۳۱۸۴-۱۳۹۳/۱۲/۱۹ توضیح داده است:

" ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

در مورد شکایت آقای سیداصغر حسینی به طرفیت قوه قضائیه به خواسته ابطال بخشنامه شماره ۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵-۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰ معاونت محترم اداری و مالی قوه قضائیه و همچنین ابطال طرح جامع رفع اطاله دادرسی دستورالعمل شماره ۲ در پذیرش دادخواست به شماره ۱/۸۴/۱۵۹۸۵-۱۳۸۴/۱۱/۲۶ مصوب رئیس



تاریخ: ۱۳۸۸

شماره: ۵

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

محترم قوه قضائیه مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۷۷۷۴-۱۳۸۴/۱۲/۱۰- اعلام می دارد:

اولاً: با عنایت به اینکه ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ صلاحیت و حدود اختیارات دیوان را احصاء نموده و تبصره ذیل ماده ۱۲ قانون فوق الذکر به صراحت رسیدگی به تصمیمات قضایی قوه قضائیه و آیین نامه ها، بخشنامه ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه را خارج از شمول صلاحیت رسیدگی و وظایف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دانسته است، بنابراین دیوان عدالت اداری صلاحیت ابطال مصوبات و دستورالعمل رئیس قوه قضائیه را ندارد و موضوع قابل طرح در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نمی باشد.

ثانیاً: در مورد ابطال بخشنامه شماره ۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵-۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰- معاونت محترم اداری مالی ضمن ارسال پاسخ مشاور محترم اداری مالی به شرح نامه شماره ۱۳۹۳/۱۲/۱۱-۹۰۰۰/۸۲۵۸/۱ به نمایندگی از قوه قضائیه توضیحاً اضافه می نماید. با عنایت به اینکه جدول تعرفه های مصوب خدمات قضایی همراه لایحه بودجه در جلسه علنی به نمایندگان ارائه می شود چنانچه هر یک از نمایندگان درباره آن جدول مطلبی داشته باشند آن را مطرح و در غیر این صورت به معنای تایید آن از سوی نمایندگان است. بنابراین ایرادی از نظر تقنینی وجود ندارد. همچنین اخذ مبلغ (۴۰/۰۰۰ ریال) علاوه بر هزینه دادرسی مصوب، برای طرح هر فقره پرونده غیر کیفری مالی که در ماده ۶۰ قانون بودجه سال ۱۳۹۰ تصریح شده است در جدول تعرفه های مصوب خدمات قضایی برای اجراء در سال ۱۳۹۳ که در صفحه ۲۵ و ۲۶ روزنامه رسمی شماره ۲۰۱۰۰-۱۳۹۲/۱۲/۱۴- منتشر گردیده است به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال افزایش یافته و ملاک عمل است."

در خصوص ادعای شاکی مبنی بر مغایرت بخشنامه شماره ۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵-۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰- معاونت اداری و مالی قوه قضائیه با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۳۹۵/۷/۱۸-۹۵/۱۰۲/۲۵۰۴ اعلام کرده است:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

"موضوع بخشنامه شماره ۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵-۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰ معاونت اداری و مالی قوه قضائیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۴ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهاء به شرح ذیل اعلام می گردد: بخشنامه مذکور بالذات خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد، تشخیص خلاف قانون بودن با آن دیوان محترم است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۶/۶/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف- نظر به اینکه به موجب تبصره ذیل ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به آیین نامه ها، بخشنامه ها و تصمیمات قضایی رئیس قوه قضائیه را ندارد، بنابراین تقاضای ابطال طرح جامع رفع اطاله دادرسی با عنوان ساماندهی نظام ارجاع و دفاتر شعب دادگاهها و دادسراها و واحد ابلاغ و استفاده از فرمهای استاندارد مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۱۵ رئیس قوه قضائیه قابل رسیدگی و اتخاذ تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیست.

ب- با توجه به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۵/۱۰۲/۲۵۰۴-۱۳۹۵/۷/۱۸ اعلام کرده است که فقهای شورای نگهبان بخشنامه شماره ۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵-۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰ معاون اداری و مالی قوه قضائیه را خلاف شرع تشخیص نداده اند، بنابراین در اجرای تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و در تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان موجبی برای ابطال

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره: ۵

پیوست:



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

نامه مورد شکایت از بُعد شرعی وجود ندارد.

ج- نظر به اینکه در بخشنامه شماره ۹۰۷۳/۱۶۱۲/۵-۹۰۰۰/۱۲۱/۹۰۰-۹۰۰۰ معاون اداری و مالی قوه قضائیه جدول شماره ۱۶ لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ جهت اجراء ابلاغ شده است و فی نفسه متضمن وضع قاعده نیست، بنابراین قابل رسیدگی و صدور رأی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد./

محمد کاظم بهرامی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری